

Coinage system and coins of the Qarakhanid government of Turkestan and Transoxiana (389-607 AH)

Jamal pirhward shotorban ¹

Abstract

The Qarakhanian or Afrasiab dynasty was one of the first Turkic dynasties that gained power in the eastern lands of Syr Darya/Jaxartes river in the 4th century AH, and after converting to Islam, it gained a lot of prestige among the Muslims of the region and was able to replace dynasties such as the Samanids in Transoxiana in a short period of time. Unfortunately, the available reports about the history of the Qarakhanids are very scattered and limited, despite the vastness of the territory and the stability of the government. Therefore, the remaining coins from their reign are an important source for knowing the history of the dynasty. Minting of coins and the presence of various titles and rituals in them, apart from the visual aspects, had a wide political and functional appearance. Accurate identification of these titles is like a window that guides the history researcher to a new understanding of the history of this dynasty. This research, with the qualitative research method, analytical-descriptive approach, while emphasizing the library and museum collecting methods, aims to answer the question that the monetary and the coinage system of the Qarakhanid dynasty represent what characteristics in terms of the distribution of mints, the reflection of titles, rituals, visual aspects and economic capabilities of the government? The final achievement of this research, while clarifying the role of the Qarakhanid coins as one of the main remaining sources for investigating the political and social history of this period, emphasizes the point that the rulers of the Qarakhanid dynasty, by using some special titles and rituals, practically were looking for political legitimacy in the political environment of Transoxiana.

Key words: Coins, Qarakhanid, Transoxiana, Afrasiab dynasty, Samanids, Saljuqid.

¹ Phd student of history, University of Tehran, Tehran, Iran. jamal.pirhward@ut.ac

Date received: 16/2/2023, Date of acceptance: 30/3/2023



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

نظام سکه‌زنی و مسکوکات حکومت قراخانیان ترکستان و ماوراءالنهر (۶۰۷-۳۸۹هـ.ق)^۲

جمال پیره‌مرد شتریان^۳

چکیده

دودمان قراخانیان یا آل افراسیاب از نخستین دودمان‌های تُرک‌تباری بود که در سده چهارم هجری در سرزمین‌های شرقی رود سیحون قدرت گرفت و چندی بعد با اسلام‌پذیری، اعتبار فراوانی نزد مسلمانان منطقه کسب کرد و توانست در اندک زمانی، جانشین سلسله‌هایی چون سامانیان در ماوراءالنهر گردد. متأسفانه گزارش‌های موجود درباره سرگذشت قراخانیان به‌رغم گستردگی قلمرو و پایداری حکومت، بسیار پراکنده و محدود هستند. از این رو، مسکوکات برجای مانده از روزگار فرمانروایی ایشان، منبع مهمی برای شناخت تاریخ دودمان مزبور به شمار می‌آیند. ضرب مسکوکات و حضور القاب و شعایر گوناگون در آن‌ها، سَوای جنبه‌های بصری، نمودی سیاسی و کارکردی گسترده داشتند. شناخت دقیق این القاب، به مثابه دریچه‌ای است که پژوهشگر تاریخ را به درکی جدید از سرگذشت این سلسله رهنمون می‌سازد. این تحقیق با روش پژوهش کیفی، رویکردی تحلیلی-توصیفی و ضمن تأکید بر روش‌های گردآوری کتابخانه‌ای و موزه‌ای، برآن است تا به این پرسش پاسخ دهد که نظام پولی و ساختار سکه‌زنی دودمان قراخانیان نمایانگر چه ویژگی‌هایی از نظر پراکندگی ضراب‌خانه‌ها، بازتاب القاب، شعایر و

^۲ گزارشی از این مقاله، در همایش تاریخ اقتصادی ایران در دوره سلجوقیان (دانشگاه تهران، اسفند ۱۴۰۰) به صورت سخنرانی، ارائه گردیده است.

^۳ دانشجوی دکتری تاریخ، دانشگاه تهران، تهران، ایران : jamal.pirehward@ut.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱/۱۰



جنبه‌های بصری و توانمندی‌های اقتصادی حکومت هستند؟ دستاورد نهایی این پژوهش نیز ضمن روشن ساختن نقش مسکوکات قراخانیان به عنوان یکی از اصلی‌ترین منابع پژوهشی باقی‌مانده برای بررسی تاریخ سیاسی و اجتماعی این دوره، بر این نکته تأکید دارد که فرمانروایان دودمان قراخانی با به کار بردن برخی القاب خاص، شعایر منحصر به فرد و نقوش بصری ویژه، عملاً در پی کسب مشروعیت سیاسی در ساختار سیاسی ماوراءالنهر و سرزمین‌های آن سوی رودخانه جیحون بودند.

واژگان کلیدی: قراخانیان، نظام پولی، سکه‌شناسی، ماوراءالنهر، اقتصاد.

۱. مقدمه

مقدمه و پیشینه پژوهش

برآمدن دودمان تُرک‌تبار قراخانیان در سده چهارم هجری، نقطه عطفی در سرنوشت ترکستان، ماوراءالنهر و خراسان بزرگ بود. با اینکه خاستگاه آغازین قراخانیان و ساختار حکومتی آنان همواره مورد اختلاف پژوهشگران بوده است، اما قدرت‌گیری آنان بی‌گمان تحت تأثیر شماری از شرایط تاریخی و اجتماعی بود. داده‌های موجود از جامعه ترکان آسیای مرکزی از سده چهارم هجری به بعد، بیانگر دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی گسترده‌ای هستند. دگرگونی‌ها مزبور به نوبه خود بر اقتصاد جامعه ایشان نیز تأثیر گذاشتند. آشنایی بیشتر جوامع ترک‌تبار با مظاهر زندگی یکجانشینان ماوراءالنهر و سپس اسلام‌پذیری، توسعه شهرنشینی و تشکیل حکومت قراخانی از بزرگ‌ترین نتایج این تحولات بودند. قراخانیان به تدریج و با شرکت در معادلات سیاسی ماوراءالنهر، به بسط قدرت خود پرداختند و توانستند نزدیک به سه سده، نظام سیاسی و اقتصادی ویژه‌ای را در کرانه‌های شرقی جهان اسلام پدید آورند. بررسی سکه‌های باقی‌مانده از روزگار فرمانروایی قراخانیان بر ترکستان و ماوراءالنهر، یکی از جالب‌ترین شاخه‌های مطالعات سکه‌شناسی ایران و آسیای مرکزی است. این مسکوکات ضمن اینکه پژوهشگر تاریخ را به درک درستی از توالی فرمانروایان قراخانی می‌رسانند، بیانگر برخی جنبه‌های دیگر حکمرانی این دودمان، از جمله ساختار سیاسی، تعاملات فرهنگی، مراودات با سایر قدرت‌های منطقه و گستره حوزه نفوذ ایشان هستند.

نظام سکه‌زنی و مسکوکات حکومت قراخانیان ۹۱

خوش‌بختانه در باب مسکوکات سلسله قراخانی، برخی از پژوهشگران ایرانی، چینی، روسی و غربی مطالعات ارزشمندی را به ثمر رسانده‌اند. شاید شناخته‌شده‌ترین چهره در این زمینه، بوریس دیمتریوویچ کوچیف (Boris Dmitriyevich Kochnev) باشد که با نگارش آثاری چون *تاریخ سکه‌شناسختی خاقانات قراخانی (۹۹۱-۱۲۰۹م.)* و همچنین مقالات متعدد، مهم‌ترین گام را در مسیر شناخت مسکوکات قراخانی برداشته است. تأکید کوچیف در معرفی مسکوکات قراخانی، معطوف به قلمرو خاقات غربی و خصوصاً سکه‌خانه‌های ماوراءالنهر بود. از سوی دیگر، پژوهشگران و باستان‌شناسان چینی از جمله جیانگ شی‌شیانگ (蔣其詳/Jiang Qixiang) و وانگ تائو (王濤/Wang Tao) نیز طی حفاری‌های خود در استان شین‌جیانگ چین (新疆/Xinjiang) شمار زیادی از مسکوکات قراخانی را در نواحی آرتوج، ختن و کاشغر کشف و معرفی کرده‌اند. برخلاف کوچیف، تأکید پژوهشگران چینی بر شناخت قلمرو خاقانات شرقی در محدود ترکستان معطوف است. جیانگ شی‌شیانگ در تک‌نگاری خود، به معرفی ۱۸,۰۰۰ قطعه مسکوکی پرداخته است که در حفاری‌های آرتوج کشف شده‌اند. متأسفانه تاریخ و محل ضرب بسیاری از این مسکوکات، قابل خوانش نیستند و یا حتی تاریخ و محل ضرب دقیقی ندارند.

صرف نظر از کارهای پژوهشگران چینی و روسی، می‌توان به سومین چاپ چک‌لیست *مسکوکات اسلامی استغین آلبوم* نیز اشاره کرد که به صورت برخط و با انگیزه آشنایی مجموعه‌داران با مسکوکات اسلامی، در سال ۲۰۱۱م. منتشر شده است. بخش قراخانیان این اثر غالباً مبتنی بر یافته‌های کوچیف می‌باشد، اما از آنجایی که اثر مزبور به زبان انگلیسی منتشر شده و امکان دسترسی بدان نیز آسان است، بازخورد بیشتری نسبت به مقالات کوچیف و سایر پژوهشگران چینی دارد. در میان آثار موجود به زبان فارسی، می‌توان به اثر ارزشمند سعید سلیمانی به نام *تاریخ سکه در دودمان‌های محلی ایران* اشاره کرد. این اثر که برای نخستین بار در سال ۱۳۹۶هـ.ش از سوی انتشارات برگ‌نگار به چاپ رسید، مشتمل بر معرفی و خوانش شماری از مسکوکات دودمان‌های محلی ایران تا برآمدن سلجوقیان در نیمه نخست سده پنجم هجری است. سلیمانی در فصول پایانی این اثر، به معرفی شماری از مسکوکات قراخانیان و نواحی تابع قلمرو آنان پرداخته است.

در پژوهش پیش‌رو سعی شده است تا به این پرسش پاسخ داده شود که دولت قراخانی در حوزه ماوراءالنهر و خراسان بزرگ، وامدار چه سستی در زمینه ضرب سکه بود؟ و اینکه نظام پولی و ساختار سکه‌زنی قراخانیان نمایانگر چه ویژگی‌هایی از نظر پراکندگی ضرب‌خانه‌ها، القاب، شعایر، جنبه‌های بصری و توانمندی‌های اقتصادی هستند؟ در

پژوهش حاضر تلاش شده است تا در چهار گفتار، به بررسی پیشینه ضرب مسکوکات اسلامی در ماوراءالنهر و خراسان بزرگ، دوره‌بندی تاریخ مسکوکات قراخانی، معرفی شعایر، القاب و جنبه‌های بصری موجود در این سکه‌ها و نهایتاً مطالعه ضرب‌خانه‌ها و پراکندگی آن‌ها در قلمرو حکومت قراخانیان پرداخته شود.

۲. پیشینه ضرب سکه در ماوراءالنهر و خراسان بزرگ تا برآمدن قراخانیان (۳۸۹هـ.ق) - (۳۱)

سرزمین وسیعی که از آن به عنوان خراسان بزرگ یاد می‌شود، دارای پیشینه تمدنی و فرهنگی درخشانی است. بر اساس نوشتار پهلوی *شهرستان‌های ایران* شهر، خراسان بزرگ در اواخر روزگار شاهنشاهی ساسانی یکی از چهار کوست قلمرو ساسانیان بود و حتی سرزمین‌های ماوراءالنهر/سغد، خوارزم، گرگان و قومس را نیز دربرمی‌گرفت (*شهرستان‌های ایران* شهر، ۱۳۸۸: ۳۸-۳۹). ابن‌فقیه همدانی نیز از چهار کُرسی خراسان عهد ساسانی در سرزمین‌های نیشابور تا هرات و طوس، مرو شاهجان تا طالقان و خوارزم، باختر رود آمویه تا بلخ و طخارستان و ماوراءالنهر تا آن سوی چاچ و سغد یاد کرده است (ابن‌فقیه، ۱۳۴۹: ۲۹۲-۲۹۳). ابن‌رسته همچون ابن‌فقیه و چه‌بسا متأثر از تقسیم‌بندی باستانی ساسانیان، ماوراءالنهر، خوارزم و قُهستان تا حدود طَبَسین را بخشی از خراسان دانسته که یادآور محدوده خراسان بزرگ است (ابن‌رسته، ۱۸۹۲: ۲۶۹). با وجود این، حیطة نفوذ سراسر ساسانیان در اواخر روزگار فرمانروایی‌شان نباید تا آن سوی سیردریا و یا حتی رود آمویه (سیحون و جیحون) رسیده باشد و این نکته از تعدد شاهک‌ها و دودمان‌های خُردی برمی‌آید که لزوماً هم تابع ساسانیان و یا از تبار ایرانیان بومی منطقه نبودند (کریستن‌سن، ۱۳۶۸: ۶۵۰-۶۵۱). با اینکه پژوهش‌های سکه‌شناسی از مسکوکات شاهنشاهان ساسانی و حاکمان کوشانی در بلخ و باختر سخن می‌گویند (بیوار، ۱۹۹۳: ص ۹)، اما نمی‌توان با اتکا به منابع، تصویر دقیقی از تحولات شرق ایران در اواخر عهد ساسانی به دست آورد، هرچند روشن است که در این دوره سَوای ساسانیان، دودمان‌های متعددی، حتی گاهی به تقلید از مسکوکات ساسانیان، به ضرب سکه در کرانه‌های شرقی ایران پرداخته‌اند؛ چنانکه در حدود سیردریا تا منطقه شمال کابل، مسکوکات متعلق به هون‌ها کشف شده‌اند (رایسون، ۱۹۶۸: ص ۱۹) که در برخی موارد، تقلیدی از نمونه‌های ساسانی و بعضاً کوشانی هستند. تا آنجایی که موضوع مربوط به ساسانیان است، می‌توان چنین گفت که شهرهایی چون هرات،

نظام سکه‌زنی و مسکوکات حکومت قراخانیان ۹۳

نیشابور، بلخ، مرو، طوس و سمرقند از مهم‌ترین سکه‌خانه‌های ساسانیان در خراسان بزرگ بودند و در برخی شهرهای منطقه نیز بعضاً بنا به ضرورت‌هایی چون پرداخت مواجب سپاهیان، ضرب سکه انجام می‌گرفت (مشیری، ۱۳۵۲: ۵۸-۵۹).

هنگامی که تازیان به ایران آمدند و به فرمانروایی ساسانیان پایان دادند، به همراه خود سکه نیاوردند و تا سالیان متمادی از مسکوکات رایج ساسانی و رومی-بیزانسی برای مبادلات خود بهره می‌بردند، اما به تدریج والیان عرب به تقلید از مسکوکات ساسانی و رومی به ضرب سکه پرداختند و نام ایشان به دبیره پهلوی (و بعضاً کوفی) به همراه عباراتی دینی به دبیره کوفی بر آن‌ها نقش می‌شد. این مسکوکات که با نام «عرب-ساسانی» نامبردار گشته‌اند (رضایی باغبیدی، ۱۳۹۳: ۲۱-۲۲)، از نظر وزن و عیار لزوماً با درهم‌های سیمین ساسانی همانند نیستند و یکی از تفاوت‌های این دو گروه از سکه‌ها، اضافه شدن نوشتارهای عربی به آن‌هاست (همان، ۲۲ و ۷۳-۷۴؛ گیزلن، ۱۳۸۱: ۷).

استفاده از مسکوکات عرب-ساسانی یا به تعبیر تازیان «دراهم البغلیه» (در این باره، رک: مقریزی، ۱۰۸۱هـ.ق: برگ ۶۱) تا عهد خلافت عبدالملک بن مروان (۶۵-۸۶هـ.ق) رواج گسترده داشت. آشفتگی‌های پیش‌آمده که ناشی از استعمال این مسکوکات بود، عبدالملک را بر آن داشت تا در سال ۷۴هـ.ق دستور ضرب سکه‌های اسلامی را صادر کند. بدین ترتیب در عهد عبدالملک اموی درهم و دینار اسلامی ضرب شد (دینوری، ۱۹۹۰: ۳۱۶؛ مقریزی، ۱۰۸۱: برگ ۶۴). با وجود اصلاحی که از سوی عبدالملک مروان در زمینه ضرب مسکوکات رخ داد، ضرب سکه‌هایی به تقلید از سکه‌های ساسانی تا سالیان متمادی ادامه داشت. در خوارزم، مسکوکات سیمین بسیار نازک و کمیابی یافت شده‌اند که در یک طرف آن‌ها نگاره یک چهره و در طرف دیگر آن‌ها نقش یک سواره دیده می‌شود (مایلز، ۱۳۶۳، ج ۴: ص ۳۱۷). همچنین مسکوکاتی نقره‌ای وجود دارند که بخارخداها معروف آن‌ها ضرب کرده‌اند و تا روزگار هارون‌الرشید و مأمون (نیمه دوم سده دوم هجری) در بخارا رایج بودند. (همان، ص ۳۱۷) در این مسکوکات نوشته‌هایی به خطوط سعیدی و کوفی دیده می‌شود (بیوار، ۱۹۹۳: ص ۱۳).

با اینکه گزارش‌های موجود از سکه‌خانه‌های خراسان بزرگ بعد از جریان اصلاحی عبدالملک مروان ناقص هستند، ولی می‌توان چنین پنداشت که در کنار سکه‌خانه‌های بومی کرانه‌های شرقی جهان اسلام، مرو مهم‌ترین سکه‌خانه شرقی ایران در عهد امویان بوده است. همچنین تا سال ۱۳۱هـ.ق از تعداد هفتاد سکه‌خانه اموی که سکه ضرب می‌کردند، تنها هشت سکه‌خانه فعال باقی مانده بودند. با قدرت‌گیری هواداران عباسی در خراسان،

ضرب سکه در شهرهای مرو و بلخ بار دیگر از سر گرفته شد (مایلز، ۱۳۶۳، ج ۴: ص ۳۱۹). بین سالهای ۱۲۷-۱۳۲ هـ.ق هواداران عباسیان به تأسی از قیام‌های ضداموی از جمله قیام عبدالله بن معاویه در ایران، در شهرهای مرو و بلخ خراسان سکه‌هایی سیمین و مسین با درج آیه «قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» ضرب کرده‌اند (در این باره، ر.ک: برنهایمر، ۲۰۰۶: ۳۹۰-۳۹۱؛ خضری و احمدوند، ۱۳۸۴: ۴۸).

به تدریج و با ضعف اقتدار خلفا و قدرت‌گیری دودمان‌های محلی در شرق ایران، ضرب سکه‌های زرین در ربع نخست سده سوم هجری در ایران رواج گرفت. احتمالاً مرو نخستین سکه‌خانه‌ای بود که مسکوکاتی زرین (دینار) در آنجا ضرب شدند (مایلز، ۱۳۶۳، ج ۴: ص ۳۲۱). همزمان با این جریان، در شهرهای عمده خراسان بزرگ و ماوراءالنهر، از جمله سمرقند، چاچ و بخارا، ضرب سکه‌های نقره‌ای (درهم) و مسین (فلس) آغاز می‌گردد. از جمله تحولات مهم خراسان و ماوراءالنهر در اواخر سده دوم و اوایل سده سوم هجری، گسترش نفوذ خاندان سهل سرخسی می‌باشد (در باب خاستگاه این خاندان، ر.ک: جهشیاری، ۱۴۰۸ هـ.ق: ۱۸۱-۱۸۳). فضل‌بن سهل سرخسی (متوفی در ۲۰۲ هـ.ق) از چهره‌های برجسته سده دوم هجری بود که نخست بر آیین پدران خود باقی ماند و سپس با تشویق مأمون به اسلام گروید (طبری، ۱۳۶۳، ج ۱۲: ص ۵۳۴۰). در طی مدت زمامداری خاندان سهل سرخسی، سه طراز متفاوت سکه به نام آنان ضرب شده است (سلیمانی، ۱۳۹۶: ص ۵۶). دسته نخست سکه‌هایی با طراز غیر اسلامی هستند که در خوارزم ضرب شده‌اند و خلوص اندکی از نقره داشتند و به سرعت سیاه می‌شدند. این سکه‌ها در میان اهالی سغد، کش، نَسَف و اَشروسَنه رواج داشتند. دسته دوم، سکه‌هایی به طراز سکه‌های طبرستانی هستند که توسط فضل‌بن سهل ضرب شده‌اند و آخرین سکه‌های طبری با طراز غیراسلامی از امرای مسلمان محسوب می‌شوند (در باب این سنخ مسکوکات، ر.ک: اعظمی سنگسری، ۱۳۵۲: ۱۵۵-۱۹۰). دسته سوم، سکه‌های خاندان سهل با طراز اسلامی می‌باشند که در سکه‌خانه‌هایی از شرق قلمرو عباسیان تا سرزمین مصر ضرب شده‌اند و پراکندگی جالب توجهی را به نمایش می‌گذارند. در سکه‌های فضل واژه «المشرق» به چشم می‌خورد که منظور سرزمین‌های شرق خلافت اسلامی است (سلیمانی، ۱۳۹۶: ۵۶-۵۹).

روی کار آمدن طاهریان (۲۵۹-۲۰۵ هـ.ق) در خراسان و سرزمین‌های شرقی قلمرو خلافت عباسیان، رویداد جریان‌سازی در تاریخ ایران قلمداد می‌شود. طاهریان مسکوکاتی از جنس طلا، نقره و مس ضرب کرده‌اند. در این مسکوکات گاهی آشکالی، از جمله نیم‌رخ

نظام سکه‌زنی و مسکوکات حکومت قراخانیان ۹۵

انسانی، دیده می‌شود. همچنین شماری از مسکوکات این دوره به تأثیر از نمونه‌های خوارزمی ضرب شده‌اند. طاهریان در سکه‌خانه‌های سمرقند، بخارا، نیشابور، بُست، هرات، مرو، چاچ، بلخ و غیره به ضرب سکه پرداخته‌اند (رضایی باغبیدی، ۱۳۹۳: ۲۲۶-۲۲۹؛ مایلز، ۱۳۶۳، ج ۴: ص ۳۲۳). شعایر و القاب موجود در سکه‌های طاهریان نشان‌دهنده مناسبات نیک آنان با دستگاه خلافت است. همچنین فرمانروایی طاهریان در خراسان و ماوراءالنهر در قدرت‌گیری دودمان‌های محلی مناطق مزبور و رشد شهرها موثر بود، چنانکه امروزه تعدادی از مسکوکات والیان تابع قلمرو طاهریان کشف شده‌اند و نشان‌دهنده تعامل دو طرفه طاهریان با نیروهای محلی هستند.

فروپاشی اقتدار طاهریان در خراسان به دست یعقوب لیث (حک: ۲۴۷-۲۶۵هـ.ق) اتفاق افتاد. یعقوب در سال ۲۵۹هـ.ق نیشابور را تسخیر کرد و این رویداد به منزله پایان اقتدار طاهریان در خراسان بود (تاریخ سیستان، ۱۳۶۶: ۲۲۰؛ نیز ر.ک: زرین‌کوب، ۱۳۹۴، ج ۲: ص ۱۰۳). دولت اول صفاریان بین سال‌های ۲۵۴ الی ۲۹۰ هجری قمری دوام داشت. هرچند ماوراءالنهر هیچگاه جزئی از قلمرو صفاریان محسوب نمی‌شد، ولی نفوذ آنان بر خراسان امری مسلم است. فرای از سکه‌خانه‌های صفاریان نام می‌برد که برخی از آن‌ها از جمله بلخ، مرو، هرات و نیشابور در سرزمین خراسان قرار داشتند (فرای، ۱۳۶۳، ج ۴: ص ۳۲۳). همچنین سکه‌ای تقلیدی از سکه‌های شاهان کابل یافت شده است که منسوب به یعقوب لیث صفاری است. بر روی این سکه که از جنس نقره است، تصویر گاو نشسته‌ای دیده می‌شود که به سمت چپ می‌نگرد و در بالای آن عبارتی به خط سنسکریت نوشته شده است. در پشت سکه نیز نقش سوارکاری دیده می‌شود که در پیش او، واژه «عدل» نوشته شده است. سلیمانی ضرب آن را ناشی از حضور جنگاوران کابلی در سپاه صفاریان و یا واقعه فتح کابل دانسته است (سلیمانی، ۱۳۹۶: ص ۱۷۷). همزمان با حاکمیت صفاریان، مسکوکاتی از امیران خراسانی در دست هستند که در شهرهایی چون نیشابور، مرو، هرات و زرنج ضرب کرده‌اند. مشهورترین این امرای جاه‌طلب، احمد بن عبدالله خجستانی (متوفی ۲۶۸هـ.ق) است که طبری به‌طور دقیق ویژگی‌های مسکوکات او را ثبت کرده است (طبری، ۱۳۶۹، ج ۱۵: صص ۶۵۴۶-۶۵۴۷).

در پی رویدادهایی که منجر به سقوط طاهریان شد و همچنین تحولات ناشی از آن در شرق قلمرو خلافت، خراسان بزرگ در اواخر سده سوم هجری تحت سلطه سامانیان (۲۶۱-۳۹۲هـ.ق) قرار گرفت. این خاندان که خاستگاهی دهقانی داشت (نرشخی، ۱۳۶۳: ۸۱-۸۲)، در چالش‌های موجود در خراسان تأثیرگذار بود. حمایت‌های عباسیان از اعضای

این دودمان سبب قدرت‌گیری آن‌ها در ماوراءالنهر شد و سرانجام به پشتوانه اشراف زمین‌دار و گروه‌های منتفذ خراسانی، حکومت خود را بنیاد نهادند. متون تاریخی و شواهد سکه‌شناسی نشان‌دهنده این نکته هستند که در برخی ولایات و شهرهای ماوراءالنهر، دهقانان مستقل به ضرب سکه می‌پرداختند (سلیمانی، ۱۳۹۶: ص ۴۶۱). نام برخی از آنان بر سکه‌های اواخر سده چهارم هجری به همراه ایلک‌خانان (قراخانیان) به چشم می‌خورد. نرشخی نیز در تاریخ بخارا از دهقانان و کدخدایان مختلف ماوراءالنهر، از جمله امیران بخارا سخن می‌گوید. روایاتی که نرشخی از دهقانان بخارا ذکر می‌کند، نشان‌دهنده اوج نفوذ امرای محلی منطقه در سده‌های نخستین اسلامی است (نرشخی، ۱۳۶۳: صص ۱۰۲-۱۰۳).

مسکوکات سامانیان را در وهله نخست بایستی در دنباله سنت موجود در ماوراءالنهر پیگیری کرد. از اسدبن سامان، نیای سامانیان، که پدرش در روزگار اسد بن عبدالله قسری (متوفی در ۱۲۰هـ.ق) به اسلام گروید و بدین جهت نام فرزندش را اسد نهاد (نرشخی، ۱۳۶۳: ۸۱-۸۲)، تاکنون سکه‌ای به دست نیامده است. پس از دعوت اسد توسط مأمون، وی به مرو رفت و پس از چندی در آنجا درگذشت (هروی، ۱۳۸۰: ص ۱۲۲). از چهار فرزند اسد که به فرمان غسان‌بن عباد (متوفی در ۲۱۶هـ.ق) به ولایت رسیدند (گردیزی، ۱۳۶۳: ۳۲۲-۳۲۳)، مسکوکاتی مسین برجای مانده است که در محدوده محلی رواج داشتند، زیرا تا پیش از فروپاشی اقتدار طاهریان در خراسان، حق ضرب سکه نقره متعلق به دودمان طاهری بود (فرای، ۱۳۴۸: ص ۶۱). ضرب منظم درهم‌های سامانی از حدود سال ۲۷۹هـ.ق آغاز می‌گردد و ضرب سکه‌های زرین نیز از همین دوره در روزگار امارت امیر اسماعیل سامانی (حک: ۲۷۹-۲۹۵هـ.ق) شروع می‌شود (مایلز، ۱۳۶۳، ج ۴: ص ۳۲۵).

سامانیان در طول امارت خود بر خراسان و ماوراءالنهر در شهرهای بسیاری به ضرب سکه پرداخته‌اند، از جمله در اوزکند، تونگت، آخسیکت، بناکت، اُشروسنه، چاچ، فرغانه، طغامه، خُتل، ترمذ، بدخشان، غرjestان، سُغد، فرّاه، یمکان، بخارا، سمرقند، نیشابور، مرو، هرات، بلخ، قبا، مرغینان، زامین و غیره (عقیلی، ۱۳۷۷: ص ۴۰۹). بیشتر دینارها و درهم‌هایی که سامانیان ضرب کرده‌اند، از سنخ سکه‌های رسمی می‌باشند، اما به تعبیر مایلز، درهم‌هایی با اندازه‌های بسیار بزرگ (با قطر ۴۸ میلی‌متر) وجود دارند که در ناحیه هندوکش ضرب شده‌اند و در ابعاد محلی کاربرد داشتند (مایلز، ۱۳۶۳، ج ۴: صص ۳۲۵-۳۲۶). همچنین در روزگار سامانیان، به سبب رشد شهرها و تجارت فرامنطقه‌ای، مجموعه انبوهی از سکه‌های سامانی در سرزمین‌های لهستان، روسیه و حوزه اسکاندیناوی یافت شده‌اند که در وهله اول

نظام سکه‌زنی و مسکوکات حکومت قراخانیان ۹۷

حاکمی از تجارت گسترده سامانیان و در وهله دوم نشان‌دهنده اعتبار سکه‌های ایشان هستند که حتی پس فروپاشی قدرت سامانیان، همچنان رایج بودند (جهت پژوهشی روشمند در این باره، ر.ک: میچینر، ۱۹۸۷: ۱۳۹-۱۵۰). نرشخی در باب گسترش تجارت در این دوره، چنین می‌نویسد: «و اهل بیکند جمله بازرگان بوده‌اند و بازرگانی چین و دریا کردند و بغایت توانگر بوده‌اند» (نرشخی، ۱۳۶۳: ص ۲۲).

تجارت و شرایط اقتصادی روزگار سامانیان موجب افزایش میزان پول در گردش شد که طبعاً پیامدهایی به دنبال داشت. فرای هنگام بحث درباره وضع عمومی شهر بخارا از سکه‌های آن روزگار چنین سخن می‌گوید: «از تجزیه سکه‌های موجود سامانیان، چنین برمی‌آید که جنس نقره در سکه‌های اوایل قرن دهم [میلادی] عالی است؛ در صورتی که در پایان همان قرن، سکه‌ها فقط دارای عیاری از نقره هستند که همچون سکه‌های بعد از دوره سامانی، از جهت عیار و مرغوبی نقره، رو به تنزل و خرابی است» (فرای، ۱۳۴۸، صص ۲۱۱-۲۱۴). بارتولد در این باره چنین می‌نویسد: «در بخارا به ضرب سکه کم‌عیار بدان سبب مبادرت شده بود که پول از حدود آن ناحیه خارج نشود.» (بارتولد، ۱۳۵۲: صص ۴۴۷-۴۵۰). در هر صورت، مسکوکاتی که سامانیان در شهرهای عمده خراسان و ماوراءالنهر ضرب کرده‌اند، تا سالیان درازی پس از سقوط ایشان همچنان رواج داشت. از روزگار حکمرانی برخی از امرای سامانی، از جمله نصر بن احمد (حک: ۳۰۱-۳۳۱ هـ.ق)، سکه‌های فراوانی با عیار بالا باقی مانده است. در پایان روزگار سامانیان که با آشفتگی‌های سیاسی و قدرت‌گیری برخی نیروها از جمله غزنویان همراه بود، مسکوکات سامانی کیفیت سابق خود را از دست دادند، به ویژه اینکه تنی چند از والیان تابع سامانیان در شهرهایی چون هرات و مرو به ضرب سکه روی آوردند (سلیمانی، ۱۳۹۶: صص ۴۸۶-۴۹۴).

در پایان بحث سکه‌های سامانیان لازم است تا به شاخه‌های فرعی دودمان سامانی اشاره گردد که در شهرهای خجند و اخشیکت و دره فرغانه به ضرب سکه پرداخته‌اند. این سکه‌ها بیشتر مسین هستند. استفن آل‌بوم، سکه‌شناس آمریکایی، برای نخستین بار به معرفی این مسکوکات پرداخته و آن‌ها را به دودمان سامانی نسبت داده است (آل‌بوم، ۲۰۱۱: ص ۱۵۵). مولف کتاب *حدودالعالم*، اخشیکت (اخسیکت) را قصبه فرغانه خوانده است (حدودالعالم، ۱۳۷۲: ص ۳۳۸). چنین می‌نماید که به دنبال سامانیان اخشیکت، در روزگار امارت نصر بن احمد سامانی، ترکان فرغانه‌ای در اخشیکت به قدرت رسیدند. نویسنده *حدودالعالم* از ملوک فرغانی با عنوان «دهقان» یاد می‌کند (همان، صص ۳۳۷-۳۳۸). ابوسعید بکر بن مالک فرغانی (متوفی در ۳۴۵ هـ.ق) از سپهسالاران دربار سامانی بود که اقتدار بسیاری

به دست آورد و توانست در رویارویی با ابوعلی چغانی و آل بویه، از خود شایستگی‌هایی نشان دهد و با خلیفه عباسی مکاتبه کند (ابن اسفندیار، ۱۳۶۶: ۳-۴؛ گردیزی، ۱۳۶۳: ۴۹-۵۱). به گزارش گردیزی، ابوسعید بکرین مالک سرانجام در سال ۳۴۵هـ.ق به دست آلپتگین حاجب به قتل رسید (گردیزی، ۱۳۶۳: ص ۳۵۲). همزمان با اقتدار سامانیان در خراسان و ماوراءالنهر، از دو تن از دهقانان فرغانی به نام‌های مالک‌بن شکرنگین و بکرین‌مالک، سکه‌هایی از جنس مس و آلیاژ مس در دسترس است که در سکه‌خانه‌های نصرآباد، اخشیکت، فرغانه و اوزکند ضرب شده‌اند. ضمن اینکه از شاهان خجند، والیان اسپجانب و آفشینان اشروسنه نیز معدود سکه‌های مسین برجای مانده است. چغان‌خده‌های منسوب به دودمان محتاجیان نیز سکه‌هایی به ویژه از جنس طلا در سکه‌خانه‌های نیشابور و چغانیان ضرب کرده‌اند (سلیمانی، ۱۳۹۶: صص ۴۷۶-۵۱۳).

عصیان‌های مداوم سران سپاه سامانی فرصتی عالی برای دودمان‌هایی فراهم کرد که در پیرامون قلمرو سامانیان سربرآورده بودند. در اواخر سده چهارم هجری، غزنویان (۳۵۰-۵۸۲هـ.ق) از ضعف سامانیان سود جستند و به بسط نفوذ خود پرداختند. قراخانیان/ایلک‌خانیان نیز که مدت‌ها با سامانیان در رقابت بودند، از خاور بر فشارهای خود افزودند. در چنین شرایطی، شهاب‌الدوله بغراخان (متوفی در ۳۸۲هـ.ق) به ماوراءالنهر لشکر کشید و در ربیع‌الاول سال ۳۸۲هـ.ق بخارا را تسخیر کرد (گردیزی، ۱۳۶۳: ۳۶۹؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵هـ.ق، ج ۹: ص ۹۵). ورود قراخانیان به سیاست‌های منطقه، غزنویان را نیز به عرصه رقابت وارد کرد (فروزانی، ۱۳۸۶: صص ۹۶-۱۰۲). پیامد نهایی بحران‌های نظامی و سیاسی منطقه در واپسین سال‌های سده چهارم هجری، فروپاشی امارت سامانیان و قدرت‌گیری قراخانیان و غزنویان در ماوراءالنهر و خراسان بود.

۳. دوره‌بندی مسکوکات قراخانیان (سال‌های ۳۸۰- ۶۱۰ هجری قمری)

دودمان ترک‌تبار قراخانیان که از آن با عنوان سلسله «آل خاقان»، «آل افراسیاب» و «ایلک‌خانیان» یاد می‌شود، در سال ۳۸۹هـ.ق با تسخیر بخارا و کنار گذاشتن سامانیان (جرفادقانی، ۱۳۵۷: ۱۸۳-۱۸۴)، منطقه وسیع ماوراءالنهر را به قلمرو خود ضمیمه کرد و رود جیحون مرز بین قراخانیان و غزنویان شد (گردیزی، ۱۳۶۳: ص ۳۷۸). از این زمان به بعد، حضور قراخانیان در مرزهای شمال شرقی ایران تهدیدی علیه دولت‌های حاکم بر ایران و خراسان محسوب می‌شد.

نظام سکه‌زنی و مسکوکات حکومت قراخانیان ۹۹

درباره پیشینه قراخانیان، اختلاف نظرهای بسیاری وجود دارد. پریساک قراخانیان را از ترکان قرق (قارلوق) می‌داند (پریساک، ۱۹۵۱: صص ۲۷۰-۳۰۰) و این دیدگاه نزدیک به گزارش ظهیری سمرقندی است که قرقان را بنیاد فرمانروایی قراخانیان قلمداد کرده است (ظهیری سمرقندی، ۱۳۴۹: ۴۲۱). در برابر این دیدگاه، خواجه نظام‌الملک (کشته‌شده در سال ۴۸۵هـ.ق) مشخصاً دو مرتبه فرمانروایان قراخانی و کارگزاران ایشان را با لفظ «چگلیان» خوانده (نظام‌الملک طوسی، ۱۳۹۹: ۱۷۵ و ۲۲۰) و بارتولد نیز بعدها خاستگاه چگلی آنان را تصدیق کرده است (بارتولد، ۱۳۷۶: ۸۹-۹۰؛ همچنین ر.ک: فروزانی، ۱۳۸۹: ۸-۱۰). به گزارش جمال قرشی در ذیل *صراح‌اللغه*، در روزگار امارت عبدالملک بن نوح سامانی (۳۴۳-۳۵۰هـ.ق)، یکی از خان‌های ترک به نام بغراخان ستوق، به کیش اسلام گروید و با تغییر نام خویش به «عبدالکریم» با عمویش درگیر شد (بی‌هقی، بی تا، ج ۳: ص ۱۱۹۵). وی پس از پیروزی و غلبه بر عمویش، نهایتاً کاشغر را به مرکزیت حکومت خود برگزید و این رویداد، آغاز قدرت‌گیری قراخانیان مسلمان در ترکستان بود (همان، ۱۱۹۴-۱۱۹۵). البته در باب سال آغاز حکومت عبدالکریم، بین پژوهشگران اختلاف نظر وجود دارد (برای نمونه، ر.ک: نور، ۱۹۲۴: ص ۳۳۵). جانشینان عبدالکریم پس از وی، به بسط نفوذ خود پرداختند و چنانکه اشاره شد، بغراخان هارون توانست در سال ۳۸۲هـ.ق بخارا را تسخیر کند (گردیزی، ۱۳۶۳: ۳۶۹) و اندکی بعد، ایلک نصر (حک: ۳۸۳-۴۰۳هـ.ق) نیز با استفاده از هرج و مرج داخلی حکومت سامانیان، نخست بخش‌هایی از قلمرو آنان را متصرف شد و در سال ۳۸۹هـ.ق با تسخیر دوباره بخارا و دستگیری امیر عبدالملک سامانی (حک: ۳۸۹هـ.ق)، به عمر دودمان سامانیان پایان داد (جرفادقانی، ۱۳۵۷: ۱۸۴؛ گردیزی، ۱۳۶۳: ۳۷۷-۳۷۸؛ فروزانی، ۱۳۸۵: صص ۱۲۷-۱۳۳).

تاکنون پژوهشگرانی چون بوریس کوچنف و استفن آل‌بوم تلاش کرده‌اند تا با تکیه بر مسکوکات باقی‌مانده از روزگار فرمانروایی قراخانیان، به دوره‌بندی تاریخ مسکوکات این سلسله پردازند. متأسفانه از آنجایی که فهرست دقیقی از سال‌شمار حکمرانی فرمانروایان این سلسله در دسترس نیست و شیوه حکومتی ایشان نیز سبب پدید آمدن قلمروهای مختلفی در سرزمین‌های ماوراءالنهر و آن سوی رودخانه سیحون شده بود، لذا ارائه دوره‌بندی دقیقی از تاریخ مسکوکات قراخانیان دشواری‌های خاص خود را دارد. با جمع‌بندی گزارش‌های متعدد، می‌توان این دوره‌بندی را برای تاریخ مسکوکات دودمان قراخانی تنظیم کرد:

۱- دوره ارتوج و کاشغر یا دوره قراخانیان نخست (سال‌های پیش از دهه ۳۸۰هـ.ق): این دوره مصادف با قدرت‌گیری بانی مسلمان دودمان قراخانی، یعنی عبدالکریم ستوق بغراخان (حدود ۳۲۰هـ.ق) و فرزندانش در نواحی کاشغر، ارتوج و ختن و نزاع‌های ایشان با قبایل و فرمانروایان غیرمسلمان منطقه است (بیهقی، بی‌تا، ج ۳: ص ۱۱۹۴). متأسفانه از این دوره سکه‌ای که مشخصاً توسط حکمرانان قراخانی ضرب شده باشد، در دسترس نیست، اما سکه‌هایی با طراز چینی و نوشته‌های کوفی از این مناطق یافت شده‌اند که احتمالاً توسط حکمرانان قراخانی ضرب شده‌اند. در صفحات آتی به این سنخ از مسکوکات اشاره خواهد شد.

۲- دوره دوم یا روزگار اوج اقتدار قراخانیان در ماوراءالنهر و خراسان (سال‌های ۳۸۱-۴۳۱هـ.ق): این دوره با یورش شهاب‌الدوله بغراخان به بخارا آغاز می‌شود و با تقسیم قلمرو قراخانیان به دو حوزه شرقی و غربی پایان می‌یابد. همچنین این دوره را می‌توان دوره اتحاد قلمروهای شرقی و غربی قراخانیان به حساب آورد که نهایتاً در حدود نیمه سده پنجم هجری قمری از میان رفت (آسیموف، ۱۹۹۸: صص ۱۱۹-۱۲۸). در این دوره مسکوکات زرین و سیمین بسیاری از فرمانروایان دودمان قراخانی، خصوصاً شهاب‌الدوله بغراخان و ایلک نصرین‌علی (حک: ۳۸۳-۴۰۳هـ.ق) برجای مانده است که شماری از آن‌ها در شهرهای بلخ، نیشابور و هرات ضرب شده‌اند (آلبوم، ۲۰۱۱: ص ۱۶۳). این موضوع نشان‌دهنده حضور موقتی قراخانیان در خراسان و نزاع‌های ایشان با غزنویان است. این دوره را از حیث کیفیت عیار سکه‌ها و همچنین پراکندگی آن‌ها، می‌توان دوره اوج تاریخ مسکوکات قراخانی به شمار آورد، چنانکه از حیث سیاسی نیز قراخانیان در اوج اقتدار سیاسی و نظامی خود در ماوراءالنهر و ترکستان قرار داشتند (فروزانی، ۱۳۸۹: صص ۴۵-۶۵).

۳- دوره سوم یا دوره جدایی خانات غربی و شرقی قراخانیان و برآمدن سلجوقیان (۴۳۱-۵۲۴هـ.ق): این دوره مصادف با ضعف اقتدار قراخانیان و نزاع‌های داخلی ایشان در سرزمین‌های ماوراءالنهر، فرغانه و ترکستان است. استغنی‌آلبوم با تکیه بر دیدگاه‌های کوچنف، مسکوکات این دوره را ذیل دو گفتار خانات غربی و خانات شرقی مورد بررسی قرار داده است (آلبوم، ۲۰۱۱: صص ۱۶۶-۱۶۷). مسکوکات سیمین (درهم) خانات غربی از عیار بسیار پایینی برخوردار هستند و غالباً از آلیاژهای کم‌ارزش مسی تشکیل شده‌اند. مسکوکات قلمرو شرقی قراخانیان نیز از این قاعده مستثنی نبوده و بیشتر فلس‌ها و درهم‌های کم‌عیاری هستند که در حوالی دره فرغانه و در شهرهای اوزکند و طراز ضرب

نظام سکه‌زنی و مسکوکات حکومت قراخانیان ۱۰۱

شده‌اند. عیار پایین سکه‌های این دوره و همچنین بی‌توجهی در ضرب مسکوکات، سبب شده است تا به مرور زمان، نوشتار و محل ضرب سکه‌ها قابل قرائت نباشد. دلایل این امر را می‌توان در افول وضعیت اقتصادی سرزمین‌های فرارود و نیز کمبود منابع نقره در قلمروهای شرقی خلافت اسلامی خلاصه کرد، به طوری تأثیر چنین شرایطی در عیار مسکوکات نقره‌ای سلجوقیان و رواج دینارهای زرین کمابیش دیده می‌شود.

۴- دوره چهارم یا دوره پایانی حکومت قراخانیان (۶۱۰-۵۲۴هـ.ق): این دوره مصادف با ضعف تدریجی قراخانیان و سلجوقیان، شکست سلطان سنجر در نبرد قَطوان (۵۳۶هـ.ق) و تسلط قراختانیان بر ترکستان و ماوراءالنهر است (نیشابوری، ۱۳۹۰: صص ۴۵-۴۶؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵هـ.ق، ج ۱۱: ۸۱). واپسین حکمران مستقل و شناخته‌شده قراخانی در این دوره که حکومت شهر سمرقند را بر عهده داشت، عثمان‌خان سلطان‌السلطین (متوفی در ۶۰۹هـ.ق) است. وی در نزاع با سلطان محمد خوارزمشاه، مغلوب و کشته شد (بیهقی، بی‌تا، ج ۳: ۱۲۵۰؛ جوینی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۱۲۲-۱۲۶؛ اقبال آشتیانی، ۱۳۸۴: ۱۱). از نقطه نظر مسکوکات، در این دوره دینارهای زرین و فلس‌های مسینی ذواج پیدا می‌کنند که اندکی با نقره ترکیب شده‌اند (آلبوم، ۲۰۱۱: ص ۱۶۷). غالب مسکوکات این دوره در دو شهر بخارا و سمرقند ضرب شده‌اند. متأسفانه برای شناخت مسکوکات این دوره دو مشکل عمده وجود دارد: نخست آن که بسیاری از این سکه‌ها با خطوطی زاویه‌دار و ناخوانا ضرب شده‌اند و این امر هنگامی که سکه آسیب‌دیده یا اکسید (به دلیل میزان بالای مس موجود) شده باشد، قرائت نوشتارهای آن را با مشکل مواجه می‌کند. مشکل دوم مربوط به کمبود اطلاعات موجود در متون تاریخی این دوره است که شناخت بسیاری از فرمانروایان دودمان قراخانی را با مشکل مواجه می‌سازد (همان، ص ۱۶۸).

صرف‌نظر از مسکوکات سلسله قراخانی، شماری از امرای محلی ماوراءالنهر و ترکستان نیز در روزگار فرمانروایی قراخانیان به ضرب سکه مشغول بودند که امروزه نمونه‌هایی از آن‌ها باقی است (کوچنف، ۱۹۹۰: صص ۲۰۷-۲۱۴). در این میان، می‌توان به دهقانان منطقه ایلاق اشاره کرد که در سال‌های نیمه دوم سده چهارم و اوایل سده پنجم هجری در ایلاق به ضرب سکه‌های سیمین و مسین پرداخته‌اند (آلبوم، ۲۰۱۱: ص ۱۶۹). بسیاری از این امرای محلی خاستگاه و القابی ایرانی داشتند و برخی از آن‌ها، نه همگی ایشان، نام حکمرانان قراخانی را به عنوان فرمانروای تابع خود در سکه‌ها قید کرده‌اند.

۴. بررسی پیشینه، القاب، شعایر و جنبه‌های بصری موجود در مسکوکات قراخانیان

در مطالعه سکه‌های باقی‌مانده از دوره قراخانیان، دشواری‌های چندی دیده می‌شود. در واقع مجموعه منسجم و کاملی از سکه‌های قراخانیان که نشان دهنده توالی دقیق سال‌های حکومت حکمرانان باشد، فعلاً در دسترس نیست. البته بخش مهمی از این پیچیدگی، ناشی از شرایط و ساختار داخلی حکومت قراخانی بود. نخست اینکه قراخانیان از اتحادیه طوایف و قبایل ترک نشأت گرفته بودند و در سراسر دوره استیلای خود بر ماوراءالنهر به صورت اتحادیه قبایلی باقی ماندند (بوئل، ۱۳۶۶، ۱۹). دوم اینکه حکومت قراخانی از حدود سال ۴۳۱هـ.ق یکپارچگی خود را برای همیشه از دست داد. از این زمان به بعد، دو دودمان شرقی و غربی قراخانی وجود داشت که به ترتیب دودمان نخست در بلاساغون و کاشغر و دودمان دوم در اوزکند و سمرقند مستقر گشتند (همان، ۱۶-۱۹). درون این نظام پیچیده سیاسی، خوانین کوچکتر، دهقانان مستقل محلی و حتی دودمان‌های بومی حضور داشتند و گاهی سکه ضرب می‌کردند. در ساختار حکومت قراخانی اساساً دو نفر خاقان وجود داشت. لقب فرمانروای شرقی «ارسلان‌خان» و لقب فرمانروای غربی «بغراخان» بود. هر یک از خاقان‌ها، چهار فرمانروای فرودست نیز تحت فرمان خود داشتند (فرای، ۱۳۶۳: ص ۲۳۸). دلیل سوم را می‌توان در این نکته خلاصه کرد که از روزگار حاکمیت قراخانیان، منبع عمده و منحصر به فردی که خاص سلسله مزبور باشد، باقی نمانده یا چنین منبعی نوشته نشده است. عمده اطلاعات ما از روزگار حاکمیت قراخانیان از تواریخ سلسله‌ای روزگار غزنوی و سلجوقی، تواریخ محلی شهرهای عمده خراسان و ماوراءالنهر، تواریخ عمومی جهان اسلام، مانند تاریخ کامل ابن‌اثیر، و برخی منابع دسته اول جغرافیایی و یا دیوان‌های شعرا نشأت می‌گیرد. لزوم توجه به منابع مادی باقی‌مانده از روزگار حاکمیت قراخانیان نیز از این فقدان ریشه می‌گیرد (باسورث، ۱۳۷۱: ص ۱۷۴-۱۷۵).

فرمانروایان قراخانی سکه‌هایی از جنس مس، نقره و طلا ضرب کرده‌اند. با توجه به قدیمی‌ترین سکه‌های باقی‌مانده از دودمان قراخانی، معلوم می‌شود که نخستین سکه‌های ضرب شده به وسیله آنان از جنس فلز مس بوده است و بعداً به ضرب سکه‌های نقره‌ای و زرین روی آورده‌اند. مایلز بر اساس شواهدی، قدیمی‌ترین سکه باقی‌مانده از دودمان قراخانی را به روزگار حاکمیت بغراخان هارون نسبت می‌دهد که در سال ۳۸۲هـ.ق و به دنبال تصرف بخارا، در اثر بیماری مهلکی درگذشت (مایلز، ۱۳۶۳، ج ۴: ص ۳۲۷). سعید سلیمانی در کتاب سکه‌شناسی خود از سکه‌ای مسین نام می‌برد که در سال ۳۴۹هـ.ق و در بخارا ضرب شده است (سلیمانی، ۱۳۹۶: ص ۵۸۸). در پشت این سکه عبارت «لا اله الا الله

نظام سکه‌زنی و مسکوکات حکومت قراخانیان ۱۰۳

وحده لا شریک له / نصر» و در حاشیه پشت سکه، عبارت «بسم الله ضرب هذا الفلس بیخارا سنه تسع و اربعین و ثلثمائه» درج شده است. با وجود این، باز هم نمی‌توان به طور یقین درباره قدیمی‌ترین سکه‌های باقی‌مانده از دودمان قراخانی اظهار نظر کرد. تاکنون سکه‌هایی از جنس مس و نقره، آلیاژی از مس و معدود سکه‌های زرینی از کمابیش بیست فرمانروای قراخانی تا انقراض آن سلسله در اوایل سده هفتم هجری به دست آمده است (مایلز، ۱۳۶۳، ج ۴: ص ۳۲۸).

بارزترین ویژگی مسکوکات قراخانی، وجود القاب و شعایر اسلامی (خصوصاً عبارت توحید) در آن‌ها است. این نکته به‌ویژه با در نظر داشتن همسایگی قراخانیان با مردمان غیرمسلمان آسیای مرکزی اهمیت می‌یابد. در واقع پس از اسلام‌پذیری عبدالکریم ستوق بغراخان در نیمه نخست سده چهارم هجری (بیهقی، بی‌تا، ج ۳: ص ۱۱۹۴)، فرمانروایان قراخانی به عنوان مجاهدان و مرزبانان قلمرو شرق خلافت اسلامی مطرح شدند. وجود القاب و شعایر اسلامی در مسکوکات ایشان که در سرزمین‌های غیرمسلمان آسیای مرکزی و چین نیز رواج داشت (ناستیچ، ۱۹۸۷: صص ۵۲-۵۳)، به بهترین وجه می‌توانست صبغه اسلامی این سلسله را نشان دهد. نکته مهم دیگر که در مسکوکات این دودمان دیده می‌شود، ذکر نام خلفای عباسی و به‌ویژه خلیفه القادر عباسی (حک: ۳۸۱-۴۲۲هـ.ق) در نخستین مسکوکات این دودمان است. در واقع سامانیان پس از آنکه بهاءالدوله بویه در سال ۳۸۱هـ.ق خلیفه الطایع عباسی (حک: ۳۶۳-۳۸۱هـ.ق) را از مقام خلافت عزل و خلیفه القادر را به جای وی منصوب کرد (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۹: ص ۷۹-۸۲؛ زرین‌کوب، ۱۳۹۴: ص ۴۷۴)، هنوز به خلیفه مخلوع عباسی وفادار بودند و در اثر رقابت با آل بویه، نام طایع را در مسکوکات خود قید می‌کردند (سلیمانی، ۱۳۹۶: ص ۳۸۹). اما برخلاف سامانیان، فرمانروایان قراخانی و سپس محمود غزنوی برای کسب مشروعیت و رقابت با سامانیان، به نام خلیفه القادر عباسی خطبه می‌خواندند. چه بسا بهانه یورش شهاب‌الدوله بغراخان به ماوراءالنهر در سال ۳۸۲هـ.ق (یک سال پس از خلع طایع عباسی) نیز به دلیل حمایت از خلیفه وقت عباسی بوده است. در دیناری که ایلک نصر در سال ۳۹۶هـ.ق در شهر نیشابور ضرب کرده است، عبارت «لا اله الا الله وحده لا شریک له / القادر بالله» دیده می‌شود (آلبوم، ۲۰۱۱: ص ۱۶۳). اسامی خلفای بعدی عباسی نیز کمابیش در مسکوکات برجای مانده از دوره قراخانی، البته نه همگی آن‌ها، مذکور است.

از نکات جالب مسکوکات قراخانیان، وجود نقوش هندسی و تنوع سبک در سکه‌های این دودمان است (سلیمانی، ۱۳۹۶: ص ۵۸۸). در زمینه وجود نقوش هندسی در سکه‌ها،

قراخانیان را می‌بایست پیشرو ایلخانان دانست. در سکه‌ای مسین که حدود سال ۳۹۶هـ.ق در شهر چاچ ضرب شده است، نقش گربه‌ای دیده می‌شود که به سمت راست ایستاده است و دست چپش را بالا گرفته است (آلبوم، ۲۰۱۱: ص ۱۶۴؛ نیز ر.ک: پیوست شماره ۱). همچنین از روزگار حاکمیت قراخانیان بر سرزمین‌های مجاور ترکستان و قلمرو چین، سکه‌هایی با طراز چینی و عباراتی به خط کوفی باقی مانده است. ولادیمیر ناستیچ، پژوهشگر روسی، در سال ۱۹۸۷م. برای نخستین بار به معرفی این گونه از سکه‌های قراخانی پرداخت (ناستیچ، ۱۹۸۷: صص ۵۲-۵۳). ناستیچ از این سنخ سکه‌ها با عنوان «سکه‌های اسلامی تپ گش» یاد کرده است. گش به سکه‌های باستانی رایج در چین و شرق آسیا گفته می‌شود که به شکل دایره با حفره‌ای مربعی شکل در میانشان هستند (فردریک شوث، ۱۹۶۵: صص ۱۵-۲۱). در چهار طرف حفره میانی این سکه‌ها عباراتی به خط کوفی دیده می‌شود. ناستیچ سعی کرده است تا این عبارات را قرائت کند. عباراتی نظیر «ملک»، «آرام» (آزار یا اوزار)، «یینال» و احتمالاً «محمد» در چهار سوی این سکه‌ها درج شده است (ناستیچ، ۱۹۸۷: صص ۵۲-۵۳). همگی این سکه‌ها در محوطه پیرامون هفت‌آب/یتی سو، از جمله تلغر و بورانا، یافت شده‌اند. تنی چند از پژوهشگران تاریخ و فرهنگ چین، این سکه‌ها را به اوایل کار قراخانیان و حتی عهد پیش از قراخانیان نسبت می‌دهند، ولی از عبارات کوفی سکه‌ها شاید بتوان آن‌ها به روزگاری پس از سال ۳۱۵هـ.ق که آغاز قدرت‌گیری عبدالکریم بغراخان است، نسبت داد. محققان غربی و از جمله ناستیچ به محدوده زمانی قرن دهم میلادی اشاره می‌کنند. می‌توان عبارات کوفی این سکه‌ها را به صورت «ملک آرام یینال قاراج» قرائت کرد.

با اشاره به خط کوفی، شایسته است تا به خطوط به کار رفته در مسکوکات قراخانی اشاره گردد. عمده سکه‌های باقی‌مانده از دوره قراخانی به خط کوفی ضرب شده‌اند، اما نکته جالب در بررسی سکه‌های این دودمان، وجود خط سُغدی در برخی سکه‌ها است (سلیمانی، ۱۳۹۶: ص ۵۸۸). خط سُغدی، خطی الفبایی است که با اقتباس از الفبای آرامی پدید آمد و دارای ۲۲ حرف است. خط سُغدی در سرزمین سغد و برای کتابت آثاری به زبان سُغدی به کار می‌رفت. همچنین ترکان اویغور برای نگارش و کتابت از خط سُغدی استفاده می‌کردند (ارگین، ۱۹۹۲، ج ۱: ص ۲۶۴). فرمانروایان قراخانی در سکه‌هایی که ضرب می‌کردند، گاهی نام خاص خان را به خط سُغدی درج می‌کردند. به عنوان مثال، در درهمی نقره‌ای که به سال ۳۹۹هـ.ق در یارکند ضرب شده است، ایلک نصر بن علی نام خود

نظام سکه‌زنی و مسکوکات حکومت قراخانیان ۱۰۵

یعنی «نصر» را با الفبای سغدی درج کرده است (سلیمانی، ۱۳۹۶: ص ۵۹۱). البته قراخانیان در زمینه کاربرد دبیره سغدی در سکه‌ها پیشگام نبودند و کاربرد خط مزبور در سکه‌ها، سابقه‌ای کهن دارد. ریچارد فرای همچنین به رواج زبان سغدی در سده چهارم هجری در ماوراءالنهر اشاره کرده است (فرای، ۱۳۴۸، صص ۹۲ و ۱۶۰). در درهمی سیمین که یوسف قدرخان (۴۱۲-۴۰۳هـ.ق) در سال ۴۱۰ هـ.ق در کاشغر ضرب کرده، نام «یوسف» در آخر سکه با خط سغدی درج شده است. یوسف قدرخان در این سکه، خود را با لقب «خان ملک‌المشرق یوسف» معرفی می‌کند (سلیمانی، ۱۳۹۶، ۵۹۳). فرای به نقل از کاشغری خاطر نشان می‌سازد که اهالی شهرهای طراز، اسفیجاب، بلاساغون و سایر شهرهای شمالی ماوراءالنهر به زبان‌های ترکی و سغدی تکلم می‌کردند (فرای، ۱۳۴۸: ص ۱۶۰). در کنار نوشته‌های عربی و سغدی مسکوکات قراخانیان، زبان فارسی نیز در معدود مسکوکات این دوره به کار رفته است. ولادیمیر ناستیچ در مقاله‌ای کوتاه در سال ۲۰۰۱م. تحت عنوان «درهم مرموز قحطی» به معرفی سکه‌ای سیمین پرداخته است که در سال ۶۱۰هـ.ق در اوزکند ضرب شده است (ناستیچ، ۲۰۰۱: صص ۳-۵). نکته جالب در این سکه، درج نوشتاری به زبان فارسی در آن است که به مسئله قحطی اشاره دارد. عبارت روی سکه چنین است: «خانان خان عُمرش بَرَد هزار سال تا ولایتِ گُرسَنه سیر شود». به گفته ناستیچ، این سکه احتمالاً برای گورخان قراختایی ضرب شده است. استفن آلبوم نیز به همین نکته اشاره دارد (ناستیچ، ۲۰۰۱: ص ۳-۴، آلبوم، ۲۰۱۱: ص ۱۶۹). به نظر راقم این سطور، علی‌رغم اقتدار فایقه قراختائیان، حکمرانان قراختایی هنوز هم در این زمان به صورت فرمانروایان تابع قراختائیان در اوزکند و شماری از شهرهای ماوراءالنهر و ترکستان حضور داشتند و این سکه نیز چه‌بسا از سوی حاکمان محلی قراختایی ضرب شده است. از سوی دیگر، ناستیچ این سکه را منبع مهمی برای شناخت شرایط اقتصادی ماوراءالنهر و ترکستان در اوایل سده هفتم هجری قلمداد کرده است.

ویژگی دیگر مسکوکات قراختایی، کاربرد لقب «خان» و «خاقان» در آن‌ها است. به گفته باسورث، لفظ «قراختانیان» را مستشرقان اروپایی از آن جهت به کار برده‌اند که در جزء لقب آنان، واژه «قرا» یا «قره» به معنای «سیاه» و «نیرومند» به کار رفته است (باسورث، ۱۳۷۱: ص ۱۷۳). در منابع کهن از این سلسله با عنوان «خانیان» یا «آل افراسیاب» یاد می‌شود. نظامی عروضی سمرقندی در سده ششم هجری از عنوان «خاقانیان» (نظامی عروضی سمرقندی، ۱۳۹۳: ص ۴۶) برای نامیدن این سلسله استفاده کرده است. همچنین در دیوان امیر معزی نیشابوری، شاعر روزگار سنجر سلجوقی، از لفظ «خانیان» (معزی نیشابوری،

۱۳۸۵: ص ۵) برای نامیدن این دودمان استفاده شده است. در بسیاری از منابع کهن عربی و فارسی، مانند *طبقات ناصری* جوزجانی، لفظ «آل افراسیاب» دیده می‌شود (جوزجانی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۴۵). دلیل این نام‌گذاری، انتساب خیالی دودمان مزبور به افراسیاب، فرمانروای اساطیری سرزمین توران، است. اما درباره واژه خان بایستی خاطر نشان کرد که اصطلاح خان، لقب روسای قبایل ترک و مغول بود که پس از ورود برخی از قبایل مزبور به پیکره جهان اسلام و پذیرش دین اسلام از سوی آنان، برای نامیدن حاکمان برخی از دودمان‌های ترک و مغول از لقب «خان» استفاده شد (دورفر، ۱۹۶۳-۱۹۷۵، ج ۳: صص ۱۷۶-۱۸۰). با اینکه رواج تدریجی این اصطلاح با ورود ترکان به پیکره دستگاه خلافت از سده دوم و سوم هجری همراه است، ولی کاربرد گسترده و رسمی این لقب با قدرت‌گیری قراخانیان در ماوراءالنهر و خراسان بزرگ شروع می‌شود.

حکمرانان قراخانی عنوان «خان» را از حدود سال ۳۸۲هـ ق در سکه‌های خود به کار می‌بردند (آلبوم، ۲۰۱۱: ص ۱۶۳). البته چنانکه در آغاز پژوهش بدان اشاره گردید، تعیین سال دقیقی برای نخستین مسکوکات قراخانیان مقدور نیست و چه بسا حاکمان قراخانی حتی در نیمه نخست سده چهارم هجری نیز به کاربرد این اصطلاح در سکه‌های خود تمایل داشته‌اند؛ چنانکه در اسامی نخستین حاکمان قراخانی به وضوح این عنوان مشهود است. در هر صورت، این لقب معمولاً به نام یا لقب حکمران قراخانی افزوده می‌شد، مانند ایلک‌خان، احمد بغراخان، تمغاچ‌خان و یوسف قدرخان. کوچنف در پژوهش ارزشمند خود به مجموعه‌ای از این اسامی و عنوان‌ها توجه کرده است (کوچنف، ۱۹۹۵: صص ۲۰۳، ۲۰۷، ۲۱۹، ۲۲۱، ۲۶۰). با وجود این، به‌ندرت عنوان خان پیش از نام حکمران قراخانی در سکه‌ها ذکر شده است. برای نمونه، در دیناری زرین که ایلک نصر بن علی در سال ۳۹۶هـ ق در نیشابور ضرب کرده است، عبارت «پادشا/محمد رسول الله/الملک ... ناصرالحق خان المویذ العادل ایلک نصر» دیده می‌شود (سلیمانی، ۱۳۹۶: ص ۵۹۱). ایلک نصر در این سکه، عنوان خان را پیش از نام خود قید کرده است. همچنین در درهمی نقره‌ای که یوسف قدرخان (۴۱۲-۴۰۳هـ ق) به سال ۴۰۳هـ ق در کاشغر ضرب کرده است، عبارت «الله/محمد رسول الله/القادر بالله/ناصرالدوله قدرخان یوسف بغراخان شاه مشرق» دیده می‌شود (همان، ص ۵۹۲). در این سکه واژه یوسف به خط سعیدی نوشته شده است. با توجه به قرائت دو سکه اخیر، می‌توان به کاربرد دو لقب ایرانی «شاه» و «پادشا[ه]» برای نامیدن حکمرانان قراخانی پی برد.

نظام سکه‌زنی و مسکوکات حکومت قراخانیان ۱۰۷

لقب «خاقان» نیز در روزگار حاکمیت قراخانیان رایج بود و چنین می‌نماید که این عنوان بر مفهوم «خان» و حتی مفهوم «سلطان» ارجحیت داشت (فروزانی، ۱۳۸۹: ص ۷). کوچنف معتقد است که اصطلاح خاقان نخست در سکه‌ای که به سال ۳۸۱هـ.ق به فرمان یکی از حکمرانان قراخانی (احتمالاً بغراخان هارون) ضرب شده، به صورت «ترک خاقان» درج شده است (کوچنف، ۱۹۹۵: ص ۲۰۳). همچنین در یکی از مسکوکات ابراهیم بن ارسلان خان به سال ۵۳۰هـ.ق در سمرقند، عنوان حکمران قراخانی با عبارت «خاقان المعظم» و عنوان سلطان سنجر سلجوقی (حک: ۵۱۱-۵۵۱هـ.ق) به منزله سلطان فرادست، با عبارت «السلطان الاعظم» ضرب شده است (همان، ۱۹۹۷: ص ۲۶۲). گویا تا روزگار پایان اقتدار قراخانیان در ماوراءالنهر، ایشان با القاب «خان» و «خاقان» شناخته می‌شدند و اصطلاحات مزبور به تنهایی در منابع برای اشاره به فرمانروایان قراخانی به کار می‌رفته‌اند.

۵. ضرب‌خانه‌های قراخانیان و پراکندگی مسکوکات ایشان

سکه‌های قراخانیان در شهرهای بسیاری، از آنسوی سیردریا تا ایالت خراسان ضرب شده‌اند. سلیمانی مجموعه این سکه‌خانه‌ها را در پنج دسته تقسیم‌بندی کرده است (سلیمانی، ۱۳۹۶: ص ۵۸۸). قراخانیان در برخی از این شهرها، در ادامه سنت سکه‌زنی که پیش از آنان رایج بود، به ضرب سکه پرداخته‌اند و این واقعیت در تفاوت‌های موجود در جنس سکه‌ها، عیار آن‌ها و نقوش موجود در آن‌ها قابل تشخیص است. این پنج دسته، یا به عبارت دقیق‌تر پنج منطقه به شرح زیر هستند:

حوزه رودخانه سیحون و شهرهای اطراف آن: بناکث، طراز و کاشغر.

حوزه فرغانه: اخشیکیث، اوزکند، اوش، ایلاق، تونکث، خجند، چاچ، فرغانه، نصرآباد، کند، مرغینان، هفت ده، یارکند.

حوزه سغد: اشتیخن، بخارا، سغد، سمرقند، کرمینیه، کش.

حوزه ماوراءالنهر: اشروسنه، ایل اردو، خرلغ اردو، دبوسیه، صغانیان، قره‌اردو

حوزه خراسان: نیشابور و هرات.

سکه‌های ضرب شده در شهرهای هرات و نیشابور در نتیجه نزاع‌های قراخانیان با دولت‌های غرب رودخانه جیحون و خراسان ضرب شده‌اند و پراکندگی چندانی ندارد. به دیگر سخن، در نزاع قراخانیان با غزنویان و سلجوقیان، شهرهای مزبور به صورت موقت به

اشغال قوای خاقان درمی آمدند. بیشتر به سکه‌ای اشاره کردیم که در سال ۳۹۶هـ.ق توسط ایلک نصر در شهر نیشابور ضرب شده است. بر روی این سکه عبارت «پادشا/محمد رسول الله/ ناصرالحق خان الموید العادل ایلک نصر» و در حاشیه روی سکه، آیه «[محمد رسول الله ارسله] بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره [المشركون]» دیده می‌شود (آلبوم، ۲۰۱۱: ص ۱۶۳). همچنین در پشت سکه، عبارت «عدل/ لا اله الا الله وحده لا شریک له / القادر بالله» و در حاشیه پشت سکه، عبارت « بسم الله ضرب هذا الدرهم بنیشابور سنه ست و تسعین و ثلثمائه» درج شده است (سلیمانی، ۱۳۹۶: ص ۵۹۰). به گزارش منابع تاریخی، نیشابور در سال ۳۹۶هـ.ق به اشغال قراخانیان درآمد. شبانکاره‌ای در کتاب مجمع‌الانساب چنین گزارش می‌دهد: «وقتی که سلطان [محمود] عزم غزو هندوستان کرد و شش ماه غایب بود، ایلک [نصر] فرصتی جست و به خراسان آمد و دستبندی نمود» (شبانکاره‌ای، ۱۳۶۳: ص ۴۹). درهمی نقره‌ای نیز در همین سال و در نیشابور به نام ایلک نصرین علی با لقب «ناصرالحق خان الموید العادل ایلک نصر» ضرب شده است (آلبوم، ۲۰۱۱: ص ۱۶۳). در برخی منابع از تصرف همزمان بلخ و مقاومت آن شهر علیه قوای خاقان سخن گفته شده است. با اینکه شهر بلخ و احتمالاً طوس نیز در این یورش آغازین قراخانیان به تصرف خاقان درآمدند، ولی شهادی درباره ضرب سکه در بلخ تا نیمه قرن ششم هجری در دسترس نیست.

در باب سکه‌خانه‌های قراخانیان در خراسان، دیدگاه مورخان تا همین اخیر متوجه دو شهر عمده هرات و نیشابور بوده است. مایکل فتودوروف (Michael Fedorov) در مقاله محققانه خود درباره سکه‌های مکشوفه قراخانیان که در نیمه قرن ششم هجری در بلخ و ترمذ ضرب شده‌اند، دیدگاه‌های نوینی در این باره مطرح کرده است (فتودوروف، ۲۰۰۳: صص ۲۶۱-۲۸۵). اساس سخن فتودوروف بر این است که حکمرانان قراخانی در میانه سده ششم هجری در دو شهر ترمذ و بلخ به ضرب سکه پرداخته‌اند و این نکته در منابع تاریخی عصر به هیچ عنوان ذکر نشده است (همان، صص ۲۶۱-۲۶۵). امروزه این دیدگاه میان سکه‌شناسان غربی پذیرفته شده است که دو شهر بلخ و ترمذ، نه تنها سکه‌خانه‌های قراخانیان، بلکه برای مدت بیش از نیم قرن، به همراه سرزمین‌های اطرافشان به عنوان بخشی از قلمرو قراخانیان محسوب می‌شدند.

واپسین نکته‌ای که باید بدان پرداخت، مسئله مناسبات تجاری و اقتصادی قلمرو خانات شرقی قراخانی با سلسله سونگ شمالی چین (۱۱۲۷-۹۶۰م.) است که تنها با تکیه بر

نظام سکه‌زنی و مسکوکات حکومت قراخانیان ۱۰۹

داده‌های سکه‌شناسی قابل بررسی و پیگیری می‌باشد. پیشتر به پژوهش‌های جانگ شی‌شیانگ و وانگ تائو در محوطه‌های باستانی استان شین‌جیانگ چین اشاره شد. جانگ شی‌شیانگ در طی کاوش‌های خود در ارتوج، در کنار مسکوکات سلسله قراخانی، تعداد نه سکه از دودمان سونگ شمالی را نیز کشف کرده است که به ترتیب بین سال‌های ۱۰۰۴-۱۰۰۷ و ۱۱۱۱-۱۱۱۷ میلادی در دوره‌های موسوم به جینگده (景德) و ژنگه (政和) در عهد فرمانروایی امپراتوران ژنزونگ (حک: ۹۹۷-۱۰۲۲ م.) و هوئی‌زونگ (حک: ۱۱۰۰-۱۱۲۶ م.) ضرب شده‌اند (شی‌شیانگ، ۱۹۹۰: صص ۱۰۶-۱۰۷). این نکته نشان‌دهنده پیوندهای تجاری و اقتصادی دو سلسله در طی این سالیان است. همچنین طی کاوش‌های باستان‌شناختی سال‌های ۱۹۹۲ م. در محوطه مویو یا قاراقاش (喀拉喀什县) در حوالی ختن ترکستان، دو قطعه سکه قراخانی در کنار نزدیک به هزار قطعه سکه برنز متعلق به سلسله سونگ شمالی کشف شده است. برخی از باستان‌شناسان با استناد به این کشف، ادعا کرده‌اند که مسکوکات دودمان سونگ در قلمرو حکومتی قراخانیان به عنوان سکه رایج، در گردش بودند (لی یینینگ، ۱۹۹۶: صص ۶۴-۶۸). با این اوصاف، مشخص می‌شود که فرمانروایان قراخانی با دودمان‌های چینی در ارتباط بودند و مناسبات تجاری و فرهنگی ایشان با سلسله سونگ شمالی، موضوع مورد بحث مورخان و پژوهشگران حال حاضر چینی است.

۶. نتیجه‌گیری

ضرورت توجه به مسکوکات قراخانیان از فقدان یا کمبود منابع موجود برای مطالعه تاریخ ایشان سرچشمه می‌گیرد. در واقع، منبع تاریخی مستقلی که مختص تاریخ دودمان قراخانی باشد، متأسفانه برجای نمانده است؛ لذا تنها با مراجعه به سایر منابع تاریخی، از جمله تواریخ عمومی، تواریخ سلسله‌ای، تواریخ محلی و منابع جغرافیایی، می‌توان به شناختی از تحولات این دودمان دست یافت. مطالعه مسکوکات باقی‌مانده از این دودمان، به پژوهشگر در زمینه شناخت توالی خان‌های قراخانی، القاب آن‌ها، رابطه آنان با دستگاه خلافت و حکومت‌های همجوار و مواردی از این قبیل، کمک بسیار شایانی خواهد کرد. همچنین با مراجعه به سکه‌های قراخانیان و بررسی کمیت وزن، عیار و جنس آن‌ها می‌توان به نتایج مهمی در زمینه شرایط اقتصادی و اجتماعی فرمانروایی آنان دست یافت. دودمان قراخانی به دنبال شکل‌گیری و حضور در عرصه منازعات سیاسی ماوراءالنهر، تلاش نمود تا رابطه مناسبی با خلافت عباسیان برقرار کند. بازتاب این گرایش در مسکوکات اولیه این دودمان

به روشنی دیده می‌شود. قراخانیان در سکه‌هایی که پس از فروپاشی سامانیان ضرب کرده‌اند، همواره نام خلیفه عباسی را ذکر می‌کردند. از نگاهی دیگر، استفاده از خط سغدی در مسکوکات باقی‌مانده از روزگار قراخانیان، نشان‌دهنده رواج زبان و دبیره سغدی در ماوراءالنهر سده‌های چهارم و پنجم هجری است. نقوش و شعایری که سوای اسامی فرمانروایان بر سکه‌ها ضرب شده‌اند، خود حامل پیام‌های مهمی بوده و بازگوکننده سیاست‌های حاکمان محلی در امور سیاسی و خصوصاً مذهبی هستند. قراخانیان با درج لقب «خان» و «خاقان» در مسکوکاتشان، عملاً تا سده هفتم هجری این فرنام را به خود اختصاص دادند. پراکندگی ضراب‌خانه‌های قراخانی و کشف مسکوکات ایشان در کنار مسکوکات دودمان سونگ چین نیز گواهی بر مناسبات تجاری دو دودمان است؛ چنانکه قراخانیان از همان آغاز با ضرب مسکوکاتی به تقلید از سکه‌های کش چینی، تا اندازه‌ای متأثر از فرهنگ چینی بودند.

کتابنامه

منابع فارسی:

- ابن اثیر، عزالدین علی بن محمد (۱۳۸۵هـ.ق)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دار صادر.
- ابن اسفندیار، محمد بن حسن (۱۳۶۶)، *تاریخ طبرستان*، به تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران: پدیده خاور.
- ابن رسته، احمد بن عمر (۱۸۹۲)، *الأعلاق النفسیه*، بیروت: دار صادر.
- ابن فقیه، ابوبکر احمد بن محمد (۱۳۴۹)، *ترجمه مختصر البلدان*، بخش مربوط به ایران، ترجمه ح. مسعود، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- اعظمی سنگسری، چراغعلی (بهار ۱۳۵۲)، «سکه‌های طبرستان، گاوبارگان و حکام خلفا»، *بررسی‌های تاریخی*، س ۸، ش ۱، صص ۱۵۳-۱۹۴.
- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۸۴)، *تاریخ مغول از حمله چنگیز تا تشکیل دولت تیموری*، تهران: امیرکبیر.
- امیر معزی نیشابوری، محمد بن عبدالملک (۱۳۸۵)، *کلیات دیوان*، تصحیح و تعلیقات محمدرضا قنبری، تهران: نشر زوار.
- بارتولد، واسیلی ولادیمیروویچ (۱۳۷۶)، *تاریخ ترک‌های آسیای میانه*، ترجمه غفار حسینی، تهران: توس.

نظام سکه‌زنی و مسکوکات حکومت قراخانیان ۱۱۱

بارتولد، واسیلی ولادیمیروویچ (۱۳۵۲)، *ترکستان‌نامه*، جج ۱-۲، ترجمه کریم کشاورز، تهران: بنیاد فرهنگ، چاپ اول.

باسورث، ادموند کلیفورد (۱۳۷۱)، *سلسله‌های اسلامی*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

بویل، جی.آ. (گردآورنده) (۱۳۶۶)، *تاریخ ایران از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی ایلیخانان*، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.

بیهقی، ابوالفضل محمد (بی‌تا)، *تاریخ بیهقی*، جج ۱-۳، با تصحیح و حواشی و تعلیقات سعید نفیسی، تهران: انتشارات سنایی.

تاریخ سیستان (۱۳۶۶)، به تصحیح محمدتقی ملک‌الشعراى بهار، تهران: پدیده خاور.

جرفادقانی، ابوشرف ناصح بن ظفر (۱۳۵۷)، *ترجمه تاریخ یمینی*، به اهتمام جعفر شعار، تهران: بنگه ترجمه و نشر کتاب.

جوزجانی، منہاج سراج (۱۳۶۳)، *طبقات ناصری*، به تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران: دنیای کتاب.

جوینی، عظاملک‌بن محمد (۱۳۸۵)، *تاریخ جهانگشای جوینی*، به تصحیح محمد قزوینی، تهران: دنیای کتاب.

جهشیاری، ابو عبدالله محمدبن عبدوس (۱۴۰۸هـ.ق)، *کتاب الوزراء و الکتاب*، بیروت: دارالفکر الحدیث.

حدودالعالم من المشرق الى المغرب (۱۳۷۲)، با تعلیقات ولادیمیر مینورسکی، به تصحیح و حواشی مریم میراحمدی و غلامرضا وره‌رام، تهران: دانشگاه‌الزهره.

خضری، سیداحمدرضا و عباس احمدوند (پاییز ۱۳۸۴)، «جایگاه و اهمیت سکه در دعوت عباسی»، *فصلنامه علمی-پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهره*، سال بیستم، ش ۷، پ ۷۷، صص ۴۵-۶۵.

دینوری، ابن قتیبہ (۱۹۹۰)، *الإمامة و السياسة المعروف بتاریخ الخلفاء*، تحقیق علی شیری، بیروت: دارالأضواء.

رضایی باغبیدی، حسن (۱۳۹۳)، *سکه‌های ایران در دوره اسلامی از آغاز تا برآمدن سلجوقیان*، تهران: سمت.

زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۹۴)، *تاریخ مردم ایران از پایان ساسانیان تا پایان آل بویه*، ج ۲، تهران: امیرکبیر.

سلیمانی، سعید (۱۳۹۶)، *تاریخ سکه در دودمان‌های محلی ایران*، تهران: انتشارات برگ‌نگار.

- شبانکاره‌ای، محمدبن علی (۱۳۶۳)، مجمع‌الانساب، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: امیر کبیر.
- شهرستان‌های ایرانشهر (۱۳۸۸)، آوانویسی، ترجمه فارسی و یادداشت‌ها از تورج دریایی، ترجمه شهرام جلیلیان، تهران: توس.
- طبری، محمدبن جریر (۱۳۵۴)، تاریخ‌الرسال و الملوک، جج ۱۶-۸، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ظهیری سمرقندی، محمد بن علی (۱۳۴۹)، اغراض‌السیاسة فی اغراض‌الریاسة، به تصحیح جعفر شعار، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- عقبلی، عبدالله (۱۳۷۷)، دارالضرب‌های ایران در دوره اسلامی، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- فرای، ریچارد (۱۳۴۸)، بخارا (دست‌آورد قرون وسطی)، ترجمه محمود محمودی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- فرای، ریچارد (۱۳۶۳)، عصر زرین فرهنگ ایران، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: سروش.
- فروزانی، سید ابوالقاسم (۱۳۸۹)، قراخانیان (بنیانگذاران نخستین سلسله ترک مسلمان در فرارود)، تهران: سمت.
- فروزانی، سید ابوالقاسم (۱۳۸۶)، غزنویان: از پیدایش تا فروپاشی، تهران: سمت.
- فروزانی، سید ابوالقاسم (۱۳۸۵)، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، تهران: سمت.
- کریستن‌سن، آرتور (۱۳۶۸)، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه غلامرضا رشید یاسمی، تهران: دنیای کتاب.
- گردیزی، عبدالحی بن ضحاک (۱۳۶۳)، زین‌الخبار، به تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران: دنیای کتاب.
- گیزلن، ریکا (زمستان ۱۳۸۱)، «سکه مسی عرب ساسانی»، معرفی سیروس نصرالله زاده، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۶۳، ۶-۸.
- مایلز، جورج (۱۳۶۳)، «سکه شناسی»، مندرج در فرای، ریچارد (۱۳۶۳)، تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
- مقریزی، تقی‌الدین (۱۰۱۸هـ.ق)، رساله فی نقود الاسلامیه/شذور العقود فی ذکر النقود، به خط یوسف الملاح سبط الحنفی، کتابخانه دانشگاه ریاض، بخش نسخ خطی، شماره بازیابی ۲۱۷۰.
- نرشخی، محمد بن جعفر (۱۳۶۳)، تاریخ بخارا، ترجمه ابونصر قباوی، تلخیص محمد بن زفر، به تصحیح و تحشیه مدرس رضوی، تهران: توس.

نظام سکه‌زنی و مسکوکات حکومت قراخانیان ۱۱۳

نظام‌الملک طوسی، ابوعلی حسن‌بن‌علی (۱۳۹۹)، *سیرالملوک*، بازشناسی، نقد و تحلیل، ویرایش متن، توضیحات و فهرست‌ها از محمد استعلامی، تهران: فرهنگ معاصر.

نظامی عروضی سمرقندی، احمد بن عمر بن علی (۱۳۹۳)، *چهار مقاله*، به سعی و اهتمام و تصحیح محمد بن عبدالوهاب قزوینی، تهران: پیامبر.

نور، رضا (۱۹۲۴ م)، *تورک تاریخی، رسملی و خریطه‌لی*، استانبول: مطبعه عامره.

نیشابوری، ظهیرالدین (۱۳۹۰)، *سلجوق‌نامه*، به تصحیح میرزا اسماعیل افشار، تهران: اساطیر.

هروی، جواد، (۱۳۸۰)، *تاریخ سامانیان (عصر طلایی ایران بعد از اسلام)*، تهران: امیرکبیر.

منابع لاتین:

Asimov, M.S. (1998), *History of civilizations of Central Asia, Volume IV The age of achievement: A.D. 750 to the end of the fifteenth century Part One The historical, social and economic setting*, UNESCO Publishing.

Bernheimer, Teresa (2006), "The Revolt of 'Abdallāh b. Mu'āwiya, AH 127–130: A Reconsideration through the Coinage", *Bulletin of the School of Oriental and African Studies* 69/3 (2006): 381–93.

Bivar.A.D.H. (1968), "Fresh evidence in the Barbarous series of Arab-Sassanian Dirham", *Journal of the Numismatic society of India*. (Varanasi).

Doerfer, Gerhar (1963-1975), *Türkische und Mongolische Elemente im Neupersischen*, Wiesbaden.

Ergin, Muharrem (1992), "Turklerde yazı ve alfabeler", in *Turkdunyasi el kitabı*, vol. 2, Ankara: Turk Kulturunu Arastirma Enstitusu.

Fedorov, Michael (2003), "Qarakhanid Coins of Tirmidh and Balkh as a Historical Source: New Numismatic Data on the History of the Qarakhanid Dominions of Tirmidh and Balkh", *The Numismatic Chronicle*, Vol. 163, pp. 261-285.

Mitchiner, Michael (1987), "Evidence for Viking-Islamic Trade Provided by Samanid Silver Coinage", *East and West*, Vol. 37, No. ¼, pp. 139-150, Published by Istituto Italiano per l'Africa e l'Oriente (IsIAO).

Nastich, V.N. (2001), "The Enigmatic "Starvation" Dirham (al-Ūzjand, 610 AH) — a Coinage of the Qarakhitay Gürkhan?", *ONS Newsletter*, No. 167, Spring 2001, p. 3–5.

Pritsak, Omelijan. (1951), *Von de Karluk Zu den Karachaniden. Zeitschrift der Deutschen Morgenlandischen Gesellschaft Enno Littmann und Helmuth Sheel*, Band 101. Wiesbaden: Kommissionsverlag Franz Steiner.

Rapson, E.J. (1968), *Indian Coins*, Delhi: Indian reprint.

Schöth, Fredrik (1965), *Chinese Currency*, Revised and edited by Virgil Hancock. Iola, WI, USA: Krause.

Stephen Album (2011), *Checklist of Islamic Coins*, 3rd Edition, STEPHEN ALBUM RARE COINS P.O. BOX 7386 SANTA ROSA CA 95407.

منابع سیریلیک:

Кочнев Б.Д. (2006), *Нумизматическая история Караханидского каганата (991-1209 гг.)*, Настич, В. Н. Москва: София.

Кочнев Б.Д. (2004), *Свод надписей на караханидских монетах: антропонимы и титулатура (часть 3)*. Addenda et corrigenda // ВИИСИД, вып. 6. Москва.

Кочнев Б.Д. (1997), *Свод надписей на караханидских монетах: антропонимы и титулатура (часть 2)* // ВИИСИД, вып. 5. Москва

Кочнев Б.Д. (1995), *Свод надписей на караханидских монетах: антропонимы и титулатура (часть 1)* // ВИИСИД, вып. 4. Москва.

Kochnev, B. D. (1990), "Zametki po srednevekovoj numizmatike Srednej Asii. Ch. 10", *Istoriya material'noj kul'tury Uzbekistana*, v. 24, pp. 207-214.

Nastich, V.N. (1987), "Monetnye nakhodki iz Kazakhstana i Kirgizii ('Coin Findings from Kazakhstan and Kirghizia')", *Vtoraia Vsesoiuznaia Numizmaticheskaja Konferentsiia (the 2nd All-Russian Numismatic Conference. Abstracts of papers and communications)*, Moscow, pp. 52-53.

منابع چینی:

نظام سکه‌زنی و مسکوکات حکومت قراخانیان ۱۱۵

Jiang Qixiang 蔣其詳(1990), Xinjiang Hei Han chao qianbi 新疆黑汗朝錢幣 (The coinage of the Xinjiang Qarakhanids), Urumqi: Xinjiang renmin chu banshe.

Wang Tao (1996), “Xin faxian de yi bi Taohuashi Kehan qianbi”, (Newly found coin of Tamghaj Khaqan), Xinjiang qianbi, no.3.

Li Yiping (1996), “Xinjiang Moyu xian chutu de jiaocang tong qian,” (Bronze coins unearthed from a hoard in Moyu county, Xinjiang), Xinjiang wenwu, no. 1, pp. 64-68.

پیوست‌ها



پیوست شماره ۱. فلس مسین از دوره فرمانروایی یوسف بن عبدالله قدرخان در ماوراءالنهر. ضرب سال ۳۹۶هـ ق در چاچ. با نگاره گربه یا شیر بر روی سکه. وزن: ۱,۶۱ گرم. متن روی سکه: «الله/محمد/رسول/الله/یوسف». متن حاشیه پشت سکه: «بسم الله ضرب هذا الفلّس بالشّاش سنه ست و تسعین و ثلث مائه». عبارت «امیرالاجلیل یوسف بن عبدالله» نیز در حاشیه سکه قابل قرائت است (آلبوم، ۲۰۱۱: ص ۱۶۴. کوچنف، مجموعه مقالات، سکه شماره 180, A-3306).



پیوست شماره ۲. دینار زرین متعلق به ایلک نصر قراخانی که در سال ۳۹۶هـ ق در زمان اشغال موقت نیشابور به دست قوای قراخانی ضرب شده است. متن روی سکه: «پادشاه/محمد رسول الله/القادر بالله ناصر/الحق خان المویذ/العدل ایلک/نصر». متن حاشیه روی سکه: «محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون». متن پشت سکه: «لا اله الا الله وحده/لا شریک له». متن حاشیه پشت سکه: «بسم الله ضرب هذا الدرهم بنیشابور سنه ست و تسعین و ثلث مائه». (آلبوم، ۲۰۱۱: ص ۱۶۷).

نظام سکه‌زنی و مسکوکات حکومت قراخانیان ۱۱۷



پیوست شماره ۳. سکه مسین منسوب به فرمانروایان اولیه قراخانی که با تیپ مسکوکات چینی (کش) و با عباراتی به خط کوفی ضرب شده است. واژگانی چون «ملک»، «آرام» (آزار یا اوزار)، «بینال» و احتمالاً «محمد» در چهار سوی این سکه‌ها دیده می‌شود (ناستیچ، ۱۹۸۷: صص ۵۲-۵۳).



پیوست شماره ۴. سکه سیمین با عباراتی به فارسی دری که در سال ۶۱۰هـ.ق در اوزکند ضرب شده است. متن روی سکه: «لا اله الا الله محمد / رسول الله». متن حاشیه روی سکه: «بسم الله ضرب هذا الدرهم فی بلدة الاوزجند سنة عشر و ستمائة». متن پشت سکه: «خانان/ خان عمرش بر/ د هزار سال/ تا ولایت گر/ سته سیر شود». متن حاشیه پشت سکه: «عدلی بسم الله ضرب هذا الدرهم فی بلدة الاوزجند سنة عشر و ستمائة» (ناستیچ، ۲۰۰۱: صص ۳-۵).